و از سمع من ظهور نمود بجماعه اصحاب که بر یمین و یسار روند بر جهات من اندی در گرده مبران
که تابعین اند و تبع تابعین و غیرهم من المومنین الی یوم القیمه مر سبیل باشند قول او
اجعل لی نورا ای بگردان مرا سراپا نور عظیم محیط بجمیع حواس بلکه خارج از دایره حواس
و احاطه جهات تا مرست من مهتدی شوند باشند هم بواسطه و هم بی واسطه الله نور السموات
والارض الایه فلنور دعا نور یهدی الله لنوره من یشاء و این قول اجمال است بعد از تفصیل
و این حدیث اختصار حدیث متفق علیه است ای اللهم اجعل فی قلبی نورا و فی بصری نورا
و فی سمعی نورا و عن یمینی نورا و عن یساری نورا و فوقی نورا و تحتی نورا
و امامی نورا و خلفی نورا قرطبی گفته بحمل حمل انوار بر ظاهر تا مستفیض شود با تابعان
خود از ظلمات روز قیامت بلکه مستعار است برای علم و هدایت کما قال تعالی فهو علی نور
من ربه الی آخره والتحقیق فی معناه ای النور یظهر ما ینسب الیه وهو یختلف بحسبه
فنور السمع مظهر للمسموعات و نور البصر کاشف للمبصرات و نور القلب کاشف عن
المعلومات و نور الجوارح ما یبدو علیها من اعمال الطاعات طیبی گفته است معنی
طلب النور للاعضاء عضوا عضوا ای یتحلی کل عضو بانوار المعرفه والطاعه و یعری
عما سواهما فان الشیطان محیط بالجهات الست بالوساوس المشبهه بالظلمات
فدفع کل ظلمه بنور فکانه طلب التخلص منها بالانوار السادّه لتلک الجهات
وَفِی عَصَبِی نُورًا وَفِی لَحْمِی نُورًا وَفِی دَمِی نُورًا وَفِی شَعْرِی
نُورًا وَفِی بَشَرِی نُورًا   عصب بفتحتین پی است عصب اعصاب جمع
شعر بفتح عین و سکون موی را گویند واحد شعره اشعار شعور جمع بشر بفتحتین پوست
مردم یعنی در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابوداود و نسائی و ابن ماجه مروی است نیز از
ابن عباس رضی الله عنه که رسول خدا در وقت بیرون آمدن از خانه برای نماز می گفت

دعا میخواند و در عصر الی آخره بحرف عطف ظاهر از ابن عباس در کتب خمسه روایت
است که حدیث سابق فقط دوم سابق با این زیادت است در اکثر وجوه فصل من الاماکن
ظاهر نیست و همین است ظاهر از قول آنکه   وَفِی لِسَانِی در نفس شاعر و در ضمن
نحو مسلم است بلکه کفر و همز شیطان موته است بضم میم و سکون واو و تا مثناه فوقانیه نوعی
از جنون یا مدصرع که عارض میکرد و آدمی را مانند مست میکرد انداز او بعد از افاقت
کمال عقل او باز می آید کذا فی آخر الحدیث نفثه او طیبی گفته است اگر روایت این تفسیر ثابت شد
که از متن حدیث است پس متعین است که همین مراد است و عدول از این روا نیست اگر
تفسیر از بعض راویان است پس ایشان الی آنست که مراد بنفث سحر باشد که شیطان باعث است
بر سحر و من شر النفاثات فی العقد موید این معنی است و مراد بهمز وسوسه شیطان که بر معاصی
مرتکب میکرداند قل رب اعوذ بک من همزات الشیاطین مقرون این اراده است
سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ وَالْمَلَکُوتِ وَالْجَبَرُوتِ وَالْکِبْرِیَاءِ وَالْعَظَمَةِ
ملکوت بمعنی ملک است و زیادتی تا برای مبالغه است و کثرت کما یقال رحموت
و رهبوت یعنی در معجم اوسط طبرانی مروی است از حذیفه رضی الله عنه که رسول خدا
بعد این تسبیح میگفت که تنزیه میکنم تنزیه کردنی خداوند ظاهر ملک و باطن ملک را یا خداوند
عالم سفلی و عالم علوی را و مراد بملکوت انجا اعم است چنانکه در قول حق تعالی است وکذلک
نری ابراهیم ملکوت السموات والارض و لفظ الجبروت که فعلوت است از جبر بمعنی قهر
برای مبالغه از صفات افعالیه است والکبریاء از صفات ذاتیه والعظمه صفاتیه
وَإِذَا قَالَ الْإِمَامُ غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّینَ فَلْیَقُلِ
الْمَأْمُومُ آمِینَ یُحِبَّهُ اللهُ   آمین اسم فعل است و معنی این بر جمهور
اللهم استجب و قیل افعل و قیل کذلک فلیکن ای ضمیر با واو منی است بر فتح در وصل …

Copyright © King Saud University